انترناسیونال ٧٢٣

خلیل کیوان

**گوشمالی احمدی نژاد و درماندگی حکومت**

در حالیکه قوه قضائیه فشار و حملات سنگینی را بر احمدی نژادی و حلقه دوستانش وارد کرده است، اصلاح طلبان هم با سکوت از آن استقبال کرده اند. حمله به احمدی نژاد خاصیت هایی برای هر دو جناح دارد. برای یک جناح مزاحمی وقت نشناس، دردسر ساز و غیر قابل پیشبینی باید مهار شود و برای جناحی دیگر، او و باندش بخاطر اتخاذ سیاست هایی در دوره هشت ساله ریاست جمهوری اش، باید مسئول معضلات و مشکلات کشور معرفی شوند. بهانه این حملات هم، اختلاسی است که احمدی نژاد و دوستانش در دوره هشت ساله ریاست جمهوری داشته اند. حالا یادشان افتاده است که او در دوره صدارتش "اختلاس" کرده است!

اختلاس یک ویژه گی مشترک همه جناح های حکومت و شخصیت های آن است. بارها دست یکدیگر را رو کرده اند. پدیده آقازاده ها مربوط به همه جناح هاست. بتازگی سر و کله ژن خوب ها هم پیدا شده است. در ادبیات روزمره، واژه اختلاس یک صفت عام برای همه دستجات و باندهای رژیم و جزء ذاتی حکومت بحساب می آید. در ایران کسی نیست که نداند دست یافتن به پست حکومتی به معنی بهره بردن از امتیازات ویژه و از جمله، دست یافتن به منابع مالی و ثروت است. اتهام اختلاس اما در دعواهای حکومتی، اسم رمز و دریچه ورود به جدال های سیاسی و جناحی اساسی تر و تصویه حساب های بنیادی تری است. چند دهه است که پی در پی اختلاسی برملا شده و معلوم شده است که بالاترین مقامات حکومتی مستقیم و یا غیر مستقیم در آن دست داشته اند. در انتخابات ریاست جمهوری اخیر شاهد بودیم که چگونه در مقابل دوربین ها از اختلاس یکدیگر رونمایی کردند. اگر بحث رسیدگی به اختلاس مطرح باشد در آنصورت باید همه سران حکومتی را مورد رسیدگی قرار داد. در پس اتهام اختلاس احمدی نژاد - که واقعی هم هست- تصویه حساب های سیاسی دیگری رقم می خورد.

احمدی نژاد در مدت صدارت هشت ساله اش دستش در خزانه مملکت بوده است. آن دوره، مصادف با گران شدن بی سابقه بهای نفت شد. در طی دوره ای که احمدی نژاد بر کرسی ریاست جمهور تکیه زده بود، در آمدی برابر با هفتصد میلیارد دلار و به عبارتی برابر با نیم قرن فروش نفت در دوران پیش از آن، به خزانه کشور سرازیر شد. اختلاس در آن دوره سر به فلک کشید. دوره ای که همه جناح ها غرق دلارهای نفتی بودند و حمام اختلاس میگرفتند. همه باندها و دستجات حکومتی از این خوان یغما سود بردند. طبعا، آنها که جا پای محکمتری در نظام داشتند و بویژه دولت و یا اسلحه را در اختیار داشتند، سهم بیشتری بردند. هر باندی به فراخور حال خود تیول اقصادی برپا کرد. اسکله های قاچاق یکی از مظاهر اختلاس این دوره بود. کسی هم در این رابطه تفهیم اتهام نشد و محاکمه نگردید. طبعا، دار و دسته احمدی نژاد هم خودشان را بستند و از خزانه مملکت برای جا پا سفت کردن و تحکیم موقعیت خود سود بردند. عده ای زیادی را در مشاغلی که گفته میشود چندان هم ضروری نبوده اند، با این پولها استخدام کردند و یا خریدند و دور خود جمع کردند. علیرغم این، امروز احمدی نژاد و تیم او در صف بندی های حکومتی موقعیت و جایگاه قابل توجهی ندارند. او فقط مایه دردسر برای رژیم و مضحکه ای در فضای سیاسی کشور است. به هر حال تصمیم گرفته اند که به سکوت و اطاعت وادارشان کنند و حتی اگر لازم شد فراتر رفته و قربانی شان کنند.

گفته می شود که احمدی نژاد با دسترسی به اسناد وزارت اطلاعات به اسرار مگوی حکومت دست یافته است. اکنون بنظر میرسد که این اسناد در دست وی، وسیله ای برای گرو کشی سیاسی شده است. احمدی نژاد و باند او، علیرغم سرسپردگی به نظام اسلامی، باورهای ویژه ای دارند؛ بشدت خرافی اند، غیر قابل پیش بینی و غیر قابل کنترل اند و تا حدی هم سرکش هستند. این برای خامنه ای دردسرساز شده است. با همه این توصیفات احمدی نژاد در مراسم تنفیذ روحانی که پنجشنبه ١٢ مرداد برگزار شد، دعوت شده و حضور یافت. این مساله نشان می دهد که سیاست هویج و چماق را به او یادآوری می کنند و خاطر نشان میکنند که اگر قرار است عضو باشگاه باقی بماند، باید ترمز خود را بکشد. قصد حذف او را ندارند. می خواهند ساکت و محارش کنند. اگر با قوه قضائیه و خامنه ای راه بیاید، اتفاق عجیبی برایش رخ نخواد داد. اتهام اختلاس در خدمت این سیاست قرار دارد. باید رام و مطیع شود.

رجزخوانی های بقایی پس از آزادی از زندان و تهدیدات مشائی و بگم بگم احمدی نژاد را کسی جدی نمی گیرد. بشارت قریب الوقوع بودن سرنگونی حکومت توسط مشائی، در کنار حمله به آخوندها و گوشمالی آنها در خیابان، گسترش علنی بی حجابی و همچنین اعتراضات وسیع کارگری اما، بیش از پیش وضعیت در هم ریخته صفوف حکومت را نشان می دهد. مردم در پس گوشمالی احمدی نژاد و تیم او، تضعیف بیش از پیش حکومت و و پایان کارش را می بینند.